

بررسی محتوایی و معرفی نشریات کرمان از جنبش مشروطه تا پایان مجلس چهارم

افشین صالحی

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران.

a.salehi89@yahoo.com

دکتر محمد علی اکبری

دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران

چکیده

در آستانه جنبش مشروطه در ایران، پایتخت و برخی ایالت‌های کشور شاهد تحولاتی بودند که برگرفته و برخاسته از تفکرات جدید و همسو شدن با خواسته های اجتماعی و اقتصادی مردم بود که از طریق جراید و انجمن ها و با هدایت افراد صاحب نفوذ تأثیرگذار تجلی پیدا کرد. مسئله اصلی این تحقیق در ایجاست که عامل تأثیرگذار در شکل گیری و محتوای جراید و نشریات ایالت کرمان در آستانه جنبش مشروطه و پس از آن تا پایان مجلس چهارم چه سمت و سو و نگاهی داشت؟ و دیگر اینکه محتوای نشریات متأثر از چه سیاست گذاری و خط مشی بوده است؟ فرضیه اصلی در این مقاله این است که شرایط تاریخی و اجتماعی ایران و خصوصاً ایالت کرمان ایام مشروطه بیشترین تأثیر را در این بین برجای گذاشت. بررسی های تاریخی از طریق منابع موجود و اسناد نشان می دهد، در سال های آغازین جنبش مشروطه و خصوصاً از سال ۱۳۲۷ ه.ق به بعد نشریه در کرمان به صورت جدی تر شروع و تا پایان دوره سلطنت قاجار و آغاز سلطنت پهلوی، با سیاست هایی چون آگاهی بخش به مردم (آگاهیدن مردم) و با محتوایی چون اخبار و اطلاعات ایالت کرمان، حمایت از افراد استقلال طلب و آزادیخواه، مسائل کشوری خصوصاً مربوط به مذاکرات و نیز حمایت از اسلام، ایران و استقلال کشور انتشار می یافته است.

واژگان کلیدی: نشریات، کرمان، جنبش مشروطه، مجلس چهارم.

پس از مرگ «مظفر الدین شاه» فرزندش «محمد علی میرزا» از تبریز به تهران آمده ، به تخت سلطنت جلوس کرد . وی «امین السلطان» را در ربیع الاول سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م به وزارت اعظم خود برگزید . متقارن این ایام حوادثی در برخی نقاط ایران رخ داد که غالباً به سیاست های «صدراعظم» نسبت داده می شد ؛ زمانی که «صدر اعظم» توسط «عباس آقا صراف تبریزی» کشته شد غالب نگاه ها معطوف شخص شاه گردید. در ادامه این حوادث اختلاف بین «محمد علی شاه» و مجلس تا جائی بالا گرفت که در سنوات ۸ تا ۱۶ ذی القعدة ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م نمایندگان مجلس تذکراتی را به «مشیر الدوله» صدر اعظم جدید در خصوص رفتار شاه یادآور شدند. «محمد علی شاه» نیز در هفدهم ذی القعدة سوگند نامه ای به مجلس ارسال نمود تا تضمینی بر رفع موانع باشد . اما عملکرد و رفتارهای بعدی وی نقض صریحی بود که با به توپ بستن مجلس به اوج خود رسید. (کرمانی ، ناظم الاسلام ، ۱۳۷۱ : ۱۹۸ تا ۲۰۰) گرچه حمایت عناصر مرتجع و دول خارجی از شاه تا حدودی آرامش نسبی را هر چند ظاهراً برقرار نمود اما اعتراضات گروه های مخالف وی و خصوصاً احزاب سیاسی به صورت آتشی زیر خاکستر در آمد . برخی رهبران و سران آزادی خواه در تهران و شهرستان ها از جمله کرمان جهت برقراری حکومتی مردمی و نفی استبداد تلاش می نمودند. (شجیعی ، ۱۳۴۴: ج ۴ ، ۱۹۶) ادبیات سیاسی و اجتماعی آن روز آنچنان موافق دربار و شخص شاه نبود و بدگویی از سلطنت «محمد علی شاه» زمزمه می شد . در مقابل گروهی برپائی انجمن ها و ارائه راه حل را چاره کار می دانستند . برخی شهرها نیز به فراخور تعداد انجمن های خود یادی از مشروطه می کردند. در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۰۸م یعنی ۱۳ روز قبل از به توپ بستن مجلس ، حدود ۱۴۰ انجمن و کلوپ سیاسی فعال بود که تقریباً سی هزار عضو داشتند . (باستانی پاریزی ، ۱۳۵۵ : ۱۲۶) ؛ که ریاست انجمن مرکزی در تهران بر عهده «علیخان ارشد الدوله» از خاندان ابراهیمی کرمان بود . (کسروی ، ۱۳۷۰ : ۲۶۲)

در ایام آغازین جنبش مشروطه تعدد انجمن ها به حدی بود که به نقل از کسروی هر شخص و گروه برای خود انجمنی بر پا نموده بود، برخی انجمن ها بر این باور بودند که با تجمیع عده ای از افراد جامعه می توانند به اقدامی بزرگ و مهم دست زده، خواسته های خود را جامه عمل بپوشانند. این اقدام در قالب رفتاری معمول شده در دوره قاجار بود که با تحریک و حمایت افراد صاحب نفوذ در بین مردم رایج و راه رسیدن به خواسته های خود را از طریق گردآمدن و تجمع در مقابل تلگرافخانه شهر و ارسال پیام خواسته های خود به پایتخت و یا دارالشوری بود. (کسروی، ۱۳۷۰: ۵۷۰) باید توجه داشت در اکثر مواقع آنها غالباً فقط نامه ای را تنظیم و به مجلس ارسال می نمودند اما در مراحل بعدی آنچنان برنامه ی مدونی نداشتند و این خود یکی از دلایل ناکام ماندن این اقدامات بود و با هدف مشروطه که اتحاد و همدلی بود مغایرات داشت. در این بین برخی روزنامه ها به حمایت و ستایش از انجمن ها پرداخته و نماینده گان ایالات اخبار پیروزی انجمن ها را از طریق تلگراف مخابره می نمودند.

مشاهده می گردد که در سال های آغازین شکل گیری مشروطه در خصوص مسائل حکومتی و حتی نوع حکومت اختلاف نظرهایی مشاهده می شد و دو گروه عمده در برابر یکدیگر قرار داشتند: طرفداران خاندان سلطنت و شخص محمد علی شاه که از وابستگان وی بوده و در دربار و ساختار قدرت حضور و نقش موثری داشتند، دسته دوم مشروطه خواهان، که در مجلس با گروه های سیاسی - اجتماعی نوپا مراوده ای داشتند. حوادث بعدی نشان داد که در مقابله و کشمکش بین این دو گروه، دول بیگانه نیز از طریق رایزنی با احزاب و جریان های طرفدار خود در ایران و حتی مجلس منافع خود را دنبال می کردند. (صوفی، ۱۳۸۳: ۷۸ و ۷۹)

زمینه نشر روزنامه و جراید در کرمان

از در دوره سلطنت «مظفرالدین شاه» به بعد عناوین جراید فارسی انتشار یافته در خارج از کشور نسبت به جراید داخلی افزایش چشمگیری پیدا نمود به نحوی که در ازای هر جریده داخلی، بیش از پنج جریده

در خارج از کشور وجود داشت. این نشریات غالباً در بین مطالب خود مقالاتی را در مقابله با دستگاه حکومتی قاجار می نوشتند که بعضی از نسخ آن نیز به داخل ارسال می شد. این مسئله یکی از دلایل عمده ای بود که فشار بر مطبوعات را در زمان صدارت عین الدوله افزایش داد. دستگیری میرزاعلی آقاشرازی مدیر جریده «مظفری» و مجدالاسلام کرمانی مدیر جراید «ندای وطن» و «کشکول» از نمونه برخوردهای دستگاه حکومتی با جرایدی بود که مقالات آنها موارد تایید نبود. در ادامه سخت گیری به حدی رسید که مطالعه روزنامه می توانست جرم سیاسی به شمار آید. (ذاکر حسین، ۱۳۶۸: ۴۶؛ صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ج اول، ۱۳)

از ویژگی های دیگر جراید عصر مظفری نشر روزنامه های باصطلاح «آزاد» است. باید توجه داشت مراد از لفظ آزاد به معنای امروزی آن یعنی برخوردار بودن جراید از حقوق ژورنالیستی در نقد وضع موجود نبود، بلکه در مقایسه با عصر ناصری که قریب به اکثر جراید داخلی، دولتی بود در عصر مظفری اکثر جراید، غیر دولتی و به تعبیر آنروز «از قید رسمیت» آزاد محسوب می شدند. نخستین روزنامه ای که حق نوشتن کلمه آزاد را در عنوان خود پیدا کرد روزنامه مجلس بود. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۶ تا ۹) محیط طباطبائی می نویسد:

«روزنامه های عصر مظفری بیش از اسلاف خود به بازار و مدرسه و مکتب می پرداختند تا امور مربوط به دربار و دیوان و می کوشیدند با نوشته های خود رضای طبقه مدرسه دیده و کاسب و پیشه ور را به دست آورند. در داخله مملکت هم روزنامه ها غالباً با یکی از مکاتب جدید عهد مظفری اتصال و ارتباط داشتند، روزنامه های عدالت، الحدید، کمال تبریز و کوکب دری، نوروز و مکتب، با مدرسه های جدید تبریز و طهران پیوستگی داشتند و مدیر روزنامه، ناظم یا مدیر دبستان بود. انجمن معارف که مراکز تشکیلات مشرف به امور مدارس نوینید عصر مظفری بود، زبان حال علی حده ای داشت و غالب معلمان و مدیران این مدارس از نویسندگان معروف آن عصر بودند.» (محیط طباطبائی، ۱۳۷۵: ۸۸ و ۸۹)

قبلاً زمانی که مظفرالدین شاه در تبریز در مقام ولیعهدی حکومت قاجار بود روزنامه‌هایی انتشار می‌یافت که از روزنامه‌های دولتی تهران آزادتر بودند و هرگاه این روزنامه‌ها فرصتی بدست می‌آوردند از آزادی مطبوعات سخنی به میان آوردند. گرچه قبلاً وزارت انطباعات به فرمان ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۰ قمری تشکیل شده بود، بعدها در تاریخ ۶ صفر ۱۳۲۵ قمری وظایفش خود را خصوصاً در حوزه روزنامه‌ها و نشریات به وزارت معارف سپرده شد و اکثر نشریات در تهران انتشار می‌یافت؛ بعداً در دوره سلطنت «مظفرالدین شاه» بود که تعداد نشریات انتشار یافته در خارج از پایتخت افزایش یافت به نحوی که در تبریز هشت نشریه، در بوشهر دو عنوان و در مشهد یک روزنامه به چاپ می‌رسید. شهرهای شیراز، کرمانشاه، همدان، کرمان و رشت نیز پس از آن به چاپ و انتشار روزنامه پرداختند. (پروین، ۱۳۷۹ : ۳۸۷)

در ایالت کرمان اوج تجلی و رشد روزنامه همزمان با پیدایش حزب دمکرات، خصوصاً بعد از سال ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م است. این دوره در تاریخ حیات مطبوعات ایران در عهد قاجار دوره ششم فعالیت روزنامه نگاری در ایران محسوب می‌گردد. البته باید توجه داشت قبلاً و در ایام آغازین جنبش مشروطه برخی افراد که تحت عنوان آزادی خواه در منابع آن عصر شناخته می‌شوند روزنامه‌های خود را با خط زیبا نگارش کرده و به چاپ می‌رساندند.

اهداف نشریات منتشره کرمان در ایام مشروطه و پس از آن

- اطلاع رسانی در خصوص اخبار ایالت کرمان
 - آگاهی بخش به مردم (آگاهیدن مردم)
 - حمایت از افراد استقلال طلب و آزادیخواه
 - مسائل کشوری خصوصاً مربوط به مذاکرات
 - حمایت از اسلام، ایران و استقلال کشور
- در کرمان روزنامه‌ها غالباً از سال ۱۳۲۷ ق به بعد چاپ شدند که از قدیمی‌ترین نشریات می‌توان از روزنامه «اعتبار» نام برد. مدیریت این نشریه بر عهده شیخ محمدحسن طلبه با سردبیری آقامیرزاغلامحسین

قرار داشت که در سال ۱۳۲۷ق در کرمان منتشر و محل توزیع این روزنامه در بازار اختیاری کرمان و مغازه شخصی به نام آقامیرزاغلامحسین بود در مورد مرام و مسلک این روزنامه چنین بیان شده بود: «جریده‌ای است که به حسب اقتضای وقت هر هفته منتشر می‌شود و عمده مسلکش آگاهیدن عامه است». (رابینو، ۱۳۷۲: ۶۴) در ایام بعد روزنامه مرآت جنوب در سال ۱۳۲۹ق به مدیریت جلال‌الدین حسینی معروف مؤیدالاشرف رشتی انتشار یافت که نوع چاپ آن سنگی و با خط نسخ انتشار می‌یافت. این نشریه بدلیل محکومیت و زندانی شدن مدیر آن بیش از یک سال و تا اوایل جمادی الاول سال ۱۳۳۰ق منتشر شد. مؤیدالاشرف پس از آن روزنامه «شهاب ثاقب» را منتشر ساخت. به نقل از روزنامه دهقان شماره ۱۷ سال اول مورخ ۲۱ صفر سال ۱۳۳۰ ق علت محکومیت مؤیدالاشرف را چنین بیان شده است: «جناب آقای سیدنصرالله مؤیدالاشرف مدیر مرآت جنوب بواسطه درج بعضی لوایح و مقالات مغرضانه و رسم تصویرها و کاریکاتورهای غیر منصفانه در روزنامه خود همواره موجب توهین نسبت به محترمین و ادارات دولتی و مدارس می‌شدند. چون حال فقر و پریشانی مؤیدالاشرف معلوم است و همه می‌دانند که این روزنامه در واقع روزی نامه یکنفر هم وطن ماست از رؤسای عدلیه درخواست تجدیدنظر و تخفیف مجازات مشارالیه را خواستاریم». (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۹۸؛ رزم آرا، ۱۳۶۷: ۲۶)

در سال ۱۳۲۹ق روزنامه دارالامان منتشر و مدیریت این نشریه بر عهده سید حسین خیابانی رئیس السادات بود. این روزنامه یکی از جراید مهم جهت بررسی اخبار کرمان و نواحی اطراف خصوصاً بعد از انقلاب مشروطه بود. پس از درج مقاله اصلی به اخباری در خصوص شهر کرمان و اخبار داخلی ایران پرداخته می‌شد. در زیر سرلوحه این روزنامه نوشته شده بود:

«جریده ایست آزاد حامی اسلام و اسلامیان هواخواه استقلال ایران نماینده افکار ترقی طلبان، دادخواه مظلومان.» (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۶۳؛ رزم آرا، ۱۳۶۷: ۲۸)

میرزاغلامحسین کرمانی اولین شماره جریده کرمان را در ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۹ق به چاپ رساند که هر ماه سه شماره از آن به چاپ می‌رسید و قیمت اشتراک یکساله آن در کرمان ۲۰ قران بود. مندرجات این روزنامه بیشتر مربوط به مذاکرات وقایع انجمن ولایتی کرمان و حوادث مربوط به شهر کرمان و نیز نامه‌هایی بود که به عنوان تظلم و دادخواهی در روزنامه نوشته می‌شده است (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۶۶؛ رزم آرا، ۱۳۶۷: ۳۹). در مورد مرام و مسلک این روزنامه چنین آمده است: «ترویج دیانت حقه اسلامی و اتحاد اسلام، حفظ حقوق داخلی و خارجی ایران، حمایت فرقه رنجبر و دهقان، فلسفه و تاریخ و خصوصاً نشر مآثر و مفاخر اشخاص اولیه و دانشمندان بزرگ خصوصاً اسلامیان، پیشنهادهای نافع راجع به اصلاحات ادارات، تشویق عامه بر تعلیم عمومی، لوایحه مفیده راجع به توسعه صنعت و تجارت و تکثیر ثروت، اخبار و حوادث مهم داخلی و خارجی و عمده مقصود این جریده ترقیات مادی و معنوی ایالت

کرمان و رسانیدن نامه‌های جانسوز این مملکت بسمع اولیای ایران است.» رابینو نیز به نقل از سرمقاله شماره اول جریده کرمان مرام و مسلکت و علت انتشار روزنامه را چنین بیان می‌کند:

«نظر به اینکه ایالت کرمان با این همه وسعت خاک و استعداد طبیعی که داراست از سایر ایالات و ولایات ایران در کسب ترقیات عصر حاضر عقب افتاده عده [ای] از دانشمندان چنین تصویب نمودند که یک جریده جامعی برای بیداری افکار عامه در کرسی ایالت دایر نموده تا شاید به توجه اولیاء اسلام عنایات الهیه شامل حال این قطعه تاریک شده، انوار ترقی و تمدن در فضای آن طالع شود و از بدبختی و ذلت و جهل و توحش رهایی یابد. به تجربه معلوم شده است که این قسم امور تا از تنگنای شخصیت خارج نشده و در فضای وسیع جماعت وارد نشود از حوادث روزگار محفوظ نمی‌ماند، شخص می‌میرد، نقل مکان می‌کند، خسته می‌شود و تغییر مسلک می‌دهد، نوع محفوظ و باقی به بقاء الله است. چنانچه عده جراید فرنگستان از دو قرن [اخیر] به این طرف باقی و پایدار مانده بناء علیهذا شرکتی به اسم شرکت علمیه کرمان در تحت پروگرام معین و نظامنامه مخصوص تشکیل و مخارج طبع این جریده را به عهده گرفته و بنده جانی [غلامحسین] کرمانی را به عنوان مدیر مسئول منتخب فرموده‌اند. امید است که به تأییدات الهی و همراهی دانشمندان معارف خواه از عهده این مسئولیت به قدر لیاقت برآیم.» (رابینو، ۱۳۷۲: ۱۱۴ و ۱۱۵)

از دیگر نشریات کرمان در عصر مشروطه روزنامه کرمان بود که از شماره ۱۲ بنام «کرمان» تغییر نام یافت. شماره اول روزنامه کرمان در ۱۷ شعبان سال ۱۳۲۹ ق منتشر شد. در سرمقاله شماره اول مطلبی چنین نوشته شد: «قابل توجه عموم اهالی آسیا که مورد هجوم و تهاجم غرب در شرق می‌باشد اروپائیان مدعی تمدن هستند». در این پاورقی روزنامه از شماره ۱۸ به بعد مطالب انتقادی نیز به چشم می‌خورد. بعدها احمد بهمنیار سمت سردبیری این روزنامه را به عهده می‌گیرد. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۳۲؛ رزم آرا، ۱۳۶۷: ۴۰). وی سپس روزنامه ای تحت عنوان دهقان منتشر نمود که به همین دلیل در اکثر منابع تاریخی وی را «احمد دهقان» نیز می‌نامیدند. اولین شماره آن در تاریخ ۲۶ شوال ۱۳۲۹ ق منتشر و در چاپخانه سنگی کرمان به مدیریت حسین تهرانی با چاپ سنگی و خط نستعلیق چاپ و توزیع می‌شد. در مورد مرام و مسلک این روزنامه آمده است:

«این روزنامه طرفدار استقلال ایران و حافظ حقوق ایرانیان است.» زیر عنوان روزنامه نیز این شعر نوشته شده است:

«دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر
کای نور چشم من بجز از کشته ندروی» (رزم آرا، اسماعیل، ۱۳۶۷: ۴۸)

روزنامه شهاب ثاقب نیز توسط جلال‌الدین حسینی مؤیدالاشرف که پیش از این روزنامه مرآت جنوب را منتشر کرده بود در ۱۶ جمادی‌الاول سال ۱۳۳۰ ق منتشر شد که عملکرد و مرام خود را در قالب شعری چنین بیان کرده است:

« زرقیب دیوسیرت بخدا همی پناهم مگر این شهاب ثاقب مددی کند سها را».

از دیگر نشریات که به نام مجله چاپ می شد مجله ادب بود که شماره اول این نشریه در ذی الحجه سال ۱۳۳۷ق در قطع کوچک و ۲۳ صفحه و با چاپ سنگی در کرمان منتشر شد که خاندان روحی (عظاملک روحی و عیسی خان) اکثر مقالات و نوشته‌های این مجله را تنظیم می نمودند. مجله نامه فرهنگ با رویکردی فرهنگی توسط محمود درگاهی (دبستانی) در کرمان منتشر گردید. در زیر سرلوحه شماره اول سال دوم این نشریه که در ۱۴ شعبان ۱۳۴۰ق منتشر شد چنین آمده است: « عجالاً هفته‌ای دو نمره طبع و نشر می شود، مقالات عام‌المنفعه با امضای معروف درج خواهد شد (مقالات خصوصی با دفتر اداره است) این روزنامه ناشر افکار ادبی و اجتماعی می باشد.» این روزنامه با مسئولیت آقای خداداد دستور کیخسرو هورمزدی در سال ۱۳۰۴ش به تهران منتقل و در آنجا منتشر شد. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۷۳)

مجله همای که در سال ۱۳۴۱ق در کرمان منتشر شد نخستین ماهنامه مربوط به زردشتیان بود که به صورت ماهیانه منتشر و تا هفت شماره نیز چاپ آن ادامه داشته است. روزنامه استقامت توسط اسدالله میرزائی تبریزی که بعدها نام خانوادگی وی به «رشاد» تغییر پیدا کرد در اوایل سال ۱۳۰۳ش در کرمان منتشر شد. وی بعداً به رئیس المتکلمین معروف شد. در بالای روزنامه آیه « فاستقم كما امرت » و شعر زیر چاپ شده است:

« کردار بیار و گرد گفتار مگرد چو کرده شود کار بگوید که چه کرد» از این نوشته‌ها میتوان متوجه اهمیت دادن روزنامه به رفتار مردم در بعد عملی شد و این که هر خواسته با عمل بدست می آید نه با حرف. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۸۷)

امتیاز روزنامه روزنامه ندای کرمان به مدیریت عیسی خان وزیری در شهر کرمان در تاریخ ششم خرداد سال ۱۳۰۴ش از تصویب شورای عالی معارف گذشت و چاپ اولین شماره این روزنامه در آذرماه ۱۳۰۴ش در کرمان بود. مدیریت داخلی این نشریه بر عهده عبدالله خان طهرانی قرار داشت. در بالای صفحه این روزنامه جمله «کل یوم هو فی شأن» قرار داشت. مطالب این روزنامه ادبی، اخلاقی، سیاسی و فکاهی بود که خود را طرفدار معارف و استقلال ایران معرفی کرده بود. (رزم آرا، اسماعیل، ۱۳۶۷: ۹۶)

نتیجه

اقدام «محمدعلی شاه» در به توپ بستن مجلس در جمادی الاول ۱۳۲۶ق/ ژوئیه ۱۹۰۸م منجر به گسترش نا امنی و ناآرامی هائی در سطح کشور گردید. در اصل این مسئله از جدی ترین حوادث و مشکلاتی بود که ایران پس از جنبش مشروطه تجربه می کرد. انتشار خبر به توپ بستن مجلس و دیگر حوادث مربوط به مشروطیت از طریق جراید، تلگراف، مسافرت ها به پایتخت و سایر عوامل موجود در آن زمان، کرمان را همانند دیگر نقاط ایران از جمله تبریز، شیراز، اصفهان و دیگر شهرها علیه عملکرد ضعیف حکومت مرکزی در کنترل اوضاع به اعتراض واداشت؛ ایالت کرمان که به لحاظ ساختار اجتماعی و مشکلات

اقتصادی ناشی از آن ملت‌هت و مستعد وقوع حادثه بود به واسطه تحریکات مشروطه طلبان - که از این فرصت ها به خوبی استفاده می نمودند - تلگرافی به تهران مخابره کرده ، از وقوع این حادثه در پایتخت اعلان ناراحتی و نارضایتی کردند .

در نهایت می توان نتیجه گرفت که گسترش نشریات و مرامنامه هائی در ذکر اهداف نشریه خصوصاً در کرمان آستانه مشروطه خود به چند دلیل عمده بود که از جمله می توان به گسترش فرهنگ و ادبیات مشروطه خواهی توسط تعدادی از مشروطه خواهان و منتقدین حکومت سلطنتی ، رواج چاپ روزنامه و نشریه ، تمایل گروه هائی از مردم به کسب آگاهی از حوادث کشوری و ایالتی ، بهره مندی از افکار عمومی مردم در راه اهداف مشروطه و نفی سلطنت و استبداد اشاره نمود .

پی نوشت و یادداشت

۱. این نامه در ذی القعدة ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م تنظیم و به رئیس مجلس تحویل شد .
۲. از آنجا که محتوای این جراید در راستای نقد حکومت و صدراعظم وقت ، علی اصغر اتابک (امین السلطان) بود ، منجر به منع ورود جراید حبل المتین و آزاد چاپ کلکته و ثریا چاپ مصر به درون ایران شد. این سه نشریه مقالات تندى علیه اتابک می نوشتند و مردم را علیه وی تحریک می کردند . جهت اطلاع بیشتر نگاه کنید به اصل مقاله در : فصلنامه پیام بهارستان (اسناد ، مطبوعات ، متون) دوره دوم ، سال اول ، شماره چهارم ، تابستان ۱۳۸۸ .
۳. هشتاد و نه سال حیات مطبوعات ایران را به هشت دوره فرعی تقسیم بندی می شود : ۱- دوره محمدشاه ۲- دوره ناصرالدین شاه ۳- دوره مظفرالدین شاه تا صدور فرمان مشروطیت ۴- مشروطه اول ۵- از به توپ بستن مجلس تا فتح تهران ۶- مشروطه دوم تا سال ۱۳۳۶ ق ۱۴- از ۱۳۳۶ ق تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش ۸- از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش تا انقراض قاجار. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به : سید فرید قاسمی، تاریخ روزنامه نگاری ایران (تهران : انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۹) ج ۱ ، ص ۱۵ و اسماعیل رزم آرا ، تاریخ مطبوعات کرمان (تهران : انتشارات زوار، چاپ اول ۱۳۶۷) ص ۱۲ .
۴. محمدصدر هاشمی در تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، ص ۱۹۸، نام مدیر روزنامه را سیدنصرالله مؤید الاشرف بیان کرده است.
۵. اسماعیل رزم آرا، در کتاب تاریخ مطبوعات کرمان مدیر مسئول این روزنامه را میرزاهادی اصفهانی بیان کرده است.
۶. سها ستاره ای است در نهایت خردی نزدیک کوکب دوم از دو کوکب ذنب دب اکبر و نور چشم را بدان امتحان می کنند. به نقل از : علی اکبر دهخدا ، لغت نامه دهخدا (تهران : دانشگاه تهران ۱۳۴۲) ج ۲۵ ، ص ۷۳۰ .

۷. باید گفت در نیمه دوم فروردین سال ۱۲۸۷ش / ۱۳۲۶ ق کشمکش میان دربار و انجمن برپا شد. محمد علی میرزا که از ترور خویش ناراحت بود به دنبال عوامل آن حادثه می گشت؛ به همین دلیل در شب نوزدهم فروردین حیدر عمو اغلی و ضیاء السلطان دستگیر شدند. انتشار این خبر باعث نارضایتی عده ای گردید و به این عنوان که اصولی از قانون اساسی رعایت نشده است زبان به انتقاد و اعتراض گشودند. زمانیکه این اعتراضات از سوی نماینده گان مطرح و خبر آن به دربار و شخص محمد علی شاه رسید وی با لحنی تند به نماینده گان پاسخ داد و باعث گردید تعدادی از آنها از کار کناره گیری نمایند. در ادامه شاه پس از گذشت یک هفته مجبور به آزادی دستگیر شده گان شد و از همین زمان بود که با لیاخوف روسی وارد مذاکره گردید و نقشه بمباران مجلس را ریختند. از دهه دوم خرداد ۱۳۲۶/۱۲۸۷ ق گفتگوها میان محمد علی میرزا و سفارت روس شدت بیشتری یافت. روس ها ضمن اینکه شاه را به براندازی مشروطه ترغیب می نمودند، به شاه تلقین کردند که عده ای از اعیان و شاهزاده گان با همراهی عضدالملک تلاش می کنند تا ظل السلطان را با کمک آزادی خواهان به تخت سلطنت بنشانند. و در دوازدهم خرداد شاه به همراه شاپشال و لیاخوف در باغشاه نقشه حمله به مجلس را طراحی نمودند. جهت اطلاع بیشتر نگاه کنید به: کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، ص ۵۵۱ و ۵۷۸ و خاطرات مامونتوف، باهتمام همایون شهیدی، ص ۱۲۵.

متن تلگراف این بود: «سه روز است اهالی کرمان در جوش و خروشند. دیگر تن به سلطنت محمد علی میرزا دشمن وطن و خائن ملت و ناقض سوگند در نداده و نمی دهند و تعیین پادشاهی عادل و ملت دوستی را می خواهند زود چاره نمایند که مملکت از دست نرود» (کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۸۵) در همین ایام دفتر روزنامه صبح صادق که توسط «مرتضی قلی خان مویداالملک» در تهران اداره می شد در حین بمباران مجلس تخریب و توسط نیروهای سیلاخوری غارت شد و پس از آن در ایام استبداد صغیر مجلّه الاسلام کرمانی روزنامه کشکول را که قبلاً در سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م. انتشار داده بود مجدداً در سال ۱۳۲۷/۱۹۰۹م در اصفهان منتشر و مجدداً در سال ۱۳۲۸ ق روزنامه پلیس را انتشار داده و روزنامه رسمی دولت تحت نظر وی قرار گرفت. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۰: ۳۹۸)

منابع

۱. باستانی پاریزی . محمد ابراهیم ،(۱۳۶۲) تلاش آزادی ، تهران ، نشر جاویدان ،
۲. ----- . ----- ،(۱۳۷۰)هشت الهفت ، تهران ، نشر ارغوان ، چاپ سوم .
۳. بمباران مجلس شورای ملی،(۱۳۸۰)خاطرات مامونتوف ، باهتمام همایون شهیدی ، تهران ، نشر فرهنگ و تاریخ ، چاپ اول .
۴. پروین . ناصرالدین،(۱۳۷۹) ، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان ، تهران ، انتشارات نشر دانشگاهی ، چاپ اول .
۵. دهخدا . علی اکبر (۱۳۴۲). لغت نامه دهخدا ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ،
۶. ذاکر حسین . عبدالحسین ، (۱۳۶۸)مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ،
۷. رایینو . ه . ل ،(۱۳۷۲) ، روزنامه های ایران از آغاز تا ۱۳۲۹ ق / ۱۲۸۹ ش ، ترجمه جعفر خمایی زاده ، تهران ، نشر اطلاعات ، چاپ اول .
۸. رزم آسا . اسماعیل ،(۱۳۶۷) تاریخ مطبوعات کرمان ، تهران ، کتابفروشی زوار، چاپ اول .
۹. قاسمی . فرید ، (۱۳۸۰)سرگذشت مطبوعات ایران روزگار محمدشاه و ناصر الدین شاه ، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،
۱۰. محیط طباطبائی (۱۳۷۵). محمد ، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران ، تهران ، نشر بهجت ،
۱۱. شجیعی . زهرا ، (۱۳۴۴) نمایندگان مجلس شورای ملی ، تهران ، نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ،
۱۲. ----- . ---- (۱۳۸۳). نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی ۴ج ، تهران ، نشر سخن ، چاپ دوم ،
۱۳. ----- . ---- (۱۳۷۱) نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی ۴ج ، تهران ، نشر درنا ،
۱۴. صدرهاشمی . محمد، (۱۳۶۳) تاریخ جراید و مجلات ایران ، ۳ جلد ، اصفهان ، نشر کمال ، چاپ دوم.
۱۵. قاسمی . ابوالفضل ،(۱۳۷۹).تاریخ روزنامه نگاری ایران ، تهران ، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،
۱۶. کرمانی . محمد بن علی (ناظم الاسلام) (۱۳۷۱) ، تاریخ بیداری ایرانیان ، ۲ جلد، تهران ، امیرکبیر ، چاپ چهارم .
۱۷. کسروی . احمد ،(۱۳۸۳) تاریخ مشروطه ایران ، تهران ، نشر امیرکبیر ، چاپ بیست و یکم .

مقالات:

۱۸. صوفی . علیرضا ، « آثار قرارداد ۱۹۰۷ بر سیاست های داخلی و خارجی ایران » فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، سال هجدهم ، شماره ۱۱ و ۱۲ ، مرداد و شهریور ۱۳۸۳ .